

استوار گام برداشتن در زیر آتش تفنگ‌ها و بی‌قراری گلوله‌ها، فریادهای پر خون در گلو داشتن و صدای اعتراض را هرسو بردن، تصو‌رهای پیوسته راهپیمایی‌های انقلابی مردمی است که سال‌ها سکوت را تجربه کرده بودند، اما این تجمع‌ها اتفاقی نبود که به یکبارہ رخ دهد. با قطرہ‌های اندک شروع شد و سپس به دریای پر موج انقلاب اسلامی ریخت، راهپیمایی‌های مردمی به آتش زیر خاکسترمانده‌ای می‌مانست که هربار با حادثه‌ای گرمی گرفت و گداخته‌تر می‌شد.

- روز آن اتفاق بزرگ

۲۱ بهمن ۱۳۵۷، در تهران درگیری مردم و گارد شهنشاهی به اوج خود رسیده بود، تانک‌ها رو به روی مردم ایستاده بودند و سبب کشته و زخمی شدن صدها نفر شدند. در این روز امام خمینی(ره) اعلام کرد در صورت ادامه گشتنار با حکم جهاد خواهد داد. دقایقی پس از این اتفاق، فرمانداری نظامی تهران اعلامیه شماره ۴۰ خود را منتشر و به موجب این اعلامیه، رفت‌وآمد مردم را از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۵پایاندامنوع کرد.انقلابیان امار خیابان‌ها می‌مانند تا اینکه سراسر انجام در فردای آن روز زندان‌های اوین، ساواک، سلطنت‌آباد، جمشیدیه، مجلسین سنا و شورای ملی، شهربانی، زندان‌مری، دانشکده افسری، پادگان‌های باغشاه، عسرت‌آباد، عباس‌آباد و در نهایت صداوسیما به تصرف نیروهای مردمی در می‌آید و خیر پیروزی انقلاب در ساعت ۱۳:۱۵ دقیقه بعدازظهر از شبکه سراسری پخش می‌شود. در مشهد اما اوضاع آرام‌تر از دیگر شهرهاست. ۲۱ بهمن ۱۳۵۷، تیمسار دانش، فرمانده زندان‌مری و سر تپیت ایمانی، رئیس کل شهربانی‌های خراسان با حضور در خانه آیت...شیرازی و آقای قمی با مردم اعلام هم‌بستگی می‌کنند و به‌این‌تر تپیت مشهد یک روز پیش از اعلام رسمی پیروزی انقلاب اسلامی به کنترل انقلابیان در می‌آید تا فرمایش (۲۲ بهمن) خنده شادمانی مردم در همه شهر بیچشد. پس از این، به‌یادبود و گرامیداشت این روز، مردم هر سال به خیابان‌ها می‌آیند تا یک صدا و یک‌نفس دوباره خاطره پیروزی‌شان را فریاد کنند.

- ای پاسدار قرآن خدا نگهدار تو

۲۲ بهمن ۱۳۵۸، نخستین راهپیمایی مردم ایران در سراسر کشور به‌صورت خودجوش برگزار می‌شود. در این ایام امام خمینی(ره) به‌دلیل بیماری در بیمارستان قلب تهران بستری هستند، اما در پیامی سال‌روز پیروزی انقلاب اسلامی را به مردم ایران تبریک می‌گویند: «سالروز پیروزی پیروزی انقلاب عظیم ایران را به مستضعفان جهان و مسلمانان عموما و ملت شریف شجاع ایران تبریک می‌گویم. این جانب مع‌الأسف به‌واسطه منع پزشکان نتوانستم در جشن ملت و رژه ارتش شرکت کنم، اما دل‌م با ملت و ارتش اسلامی ملی است.»

در این سال، حضور مردم در همه شهرها

روایت ۴۲ساله روز پیروزی

بازخوانی رویدادهای ۴۲ سال راهپیمایی ۲۲بهمن در مشهد



که در همه شهرها مشترک بوده است.

به گفته رئیس شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی خراسان رضوی، مسیر همه راهپیمایی‌های مشهد در سال‌های اوایل انقلاب و تا پیش از اجرای طرح توسعه میدان شهدا از این‌نقطه آغاز می‌شده است و راهپیمایان پس از گذر از خیابان امام خمینی(ره)، میدان مدرس و خیابان اندرزگو، از خیابان امام‌رضاع) با باب‌الجواد(ع) وارد حرم مطهر رضوی می‌شده‌اند.

حجت‌الاسلام محمد سلطانی که در همه راهپیمایی‌های ۲۲بهمن در پس از انقلاب حضور داشته است، می‌گوید: «سال‌های ابتدایی پس از انقلاب، متولسی برگزاری راهپیمایی‌ها، نهادهای انقلابی تازه‌تأسیس بودند. آن روزها میکروفون بلندگو و امکاناتی

از این دست وجود نداشت. چند ماشین که به آن‌ها ماشین صوت می‌گفتیم و روی آن بلندگویی نصب شده بود، در مسیر راهپیمایی حرکت می‌کرد و شعار آن سال را پخش و مردم هم پس از شنیدن شعار، آن را تکرار می‌کردند. پس از پایان مسیر نیز یکی از علمای برجسته قطعه‌نامه آن روز را قرائت و سپس نماز جماعت ظهر و عصر را در حرم مطهر رضوی بر گزار می‌شد. قرائت قطعه‌نامه در مشهد در سال‌های ابتدایی انقلاب برعهده بزرگانی چون شهید هاشمی‌نژاد و مرحوم آیت...واعظ طبسی بود.»

حالا بیش از یک دهه است که نقطه آغاز راهپیمایی‌های مشهد به میدان پانزده خرداد منتقل شده است. راهپیمایی‌هایی که هر سال از سال ۱۳۵۷ فاصله می‌گیرد، اما بر شکوهش

بهمنی که مشهد رنگ خون گرفت

می‌روند و خودشان را در صف راهپیمایان جا می‌زنند. دقایقی بعد وقتی جمعیت درحالی‌که شعار «مرگ بر صدام» و «مرگ بر آمریکا» سر می‌دادند به باب‌الجواد(ع) می‌رسند، یکی از اعضای گروه ترور، نارنجکی جنگی بین صف اول جمعیت تظاهرات‌کنندگان که علما و روحانیون بودند، تراب می‌کند. سپس یکی دیگر از منافقان با اسلحه کلاشینکف راهپیمایان را به رگبار می‌بندد. در این اتفاق ۳نفر به‌نام‌های «حجت‌الاسلام محمدرضا

اوج خود می‌رسد. در این روز یک گروه ترور چهار نفره به نام‌های «جواد علیان نجف‌آبادی» با نام مستعار خالق، «حسین مرادی زرمهری» با نام مستعار احمد، «جلیل خلخالی شاندیزی» با نام مستعار منصور و «امیرهمایون انور حسینی» با نام مستعار حسام، برای انجام یک عملیات تروربستی از مرز عراق وارد ایران می‌شوند و خودشان را به مشهد می‌رانند. این گروه ساعت ۱۰صبح ۲۲بهمن‌ماه با یک پیکان سرقتی به بازارچه سرشور

۴۲سال است که راهپیمایی‌های ۲۲بهمن در مشهد هر سال آرام و باشکوه‌تر از سال قبل برگزار می‌شود، اما این شکوه در ۲۲بهمن ۱۳۶۵، در برخی از شهرهای کشور رنگ خون به خود می‌گیرد و تیت‌ریک همه روزنامه‌های کشور در ۲۳بهمن ۶۵به مشهد و چند شهر دیگر اختصاص پیدا می‌کند.طبق اسناد موجود، اوج ترورها که مسئولیت همه آنان را منافقان برعهده گرفته‌اند، در اوایل دهه ۶۰ شدت می‌گیرد و در ۲۲بهمن ۱۳۶۵ به

نگاهی به بزرگ‌ترین راهپیمایی‌های انقلابی مشهد

در این راهپیمایی که نخستین راهپیمایی بزرگ مردم مشهد است، آقای قمی پس از اقامه نماز دستگیر و روانه زندان می‌شود. مردم درواکنش به این اتفاق، بازارها را تعطیل و در تلگراف‌خانه شهر تحصن می‌کنند. درهای مسجد گوهرشاد نیز از ۱۵ تا ۱۸خردادماه بسته می‌شود.

مردم مشهد در این روز تظاهرات گسترده‌ای برگزار می‌کنند. در پایان این راهپیمایی، آیت...طبسی در قطعه‌های که قرائت می‌کند، ضمن مخالفت با دولت شریف‌امامی، خواهان برقراری نظام اسلامی، آزادی زندانیان سیاسی، اجرای صحیح قانون اساسی و بازگرداندن امام خمینی(ؑ) و آقای قمی از تبعید می‌شود.

در این روز، مشهدی‌ها پس از عبور از خیابان‌های پهلوی(امامخمینی(ؑ))، بهار و فلکه برق، خودشان را به خیابان تهران و فلکه حضرت می‌رانند تا سخنرانی آیت...واعظ طبسی و سیدعبدالکریم هاشمی‌نژاد را بشنوند. در پایان این راهپیمایی، نامه شدیدالحنی بر ضد شاه و ازهاری قرائت می‌شود.

حرکت راهپیمایان با موتور و خودرو شخصی

به گفته رئیس شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی خراسان رضوی، مراسم راهپیمایی امسال در ۲۲بهمن به‌دلیل محدودیت‌های کرونایی و حفظ سلامت مردم، شبیه سال‌های گذشته برگزار نمی‌شود. امسال با تمهیدات صورت‌گرفته، قرار است در این راهپیمایی مردم سوار بر موتور یا خودروهای خود مسیر مشخص شده‌ای را طی کنند. حجت‌الاسلام محمد سلطانی توضیح می‌دهد: «تصمیم گرفته شده است که راهپیمایان در خودروهای خود بنشینند و افرادی هم که موتور دارند در صف جلو و پیشاپیش جمعیت حرکت کنند.»

وی ادامه می‌دهد: «آغاز مسیر تعیین‌شده برای راهپیمایان، خیابان امام‌رضا(ع) است. موتورسواران از ترمینال تا میدان بیت‌المقدس، حدفاصل میدان بیت‌المقدس تا چهارراه دانش مستقر می‌شوند و پشت سرشان نیز خودروها قرار می‌گیرند. سرریز خودروها هم به سمت ترمینال، خیابان جمهوری اسلامی و بولوار خرمشهر حرکت خواهد کرد. همچنین در این مسیرها ۱۲ ایستگاه برای توزیع اقلام فرهنگی ایجاد شده است که خدماتی را به راهپیمایان ارائه می‌کنند.»

۲۲ بهمن ۱۳۹۹

حکم گلاب و انقلاب

با خاطرات حاج فضل...برهانی، یگانه گلاب‌پاش راهپیمایی‌های مشهد، که ۴۰سال است در همه تجمعات انقلابی شهر حاضر بوده است



هما سعادت‌مند

h.saadatmand@shahraranews.ir
وقتی گلاب‌پاش قدیمی‌اش بر می‌شود، ۳۰کیلو وزن می‌گیرد، اما «حاج فضل...برهانی» بیش از ۴دهه است در همه تجمع‌های انقلابی آن را روی شانه می‌گذارد و گاهی تا چند کیلومتر هم با صنفوف راهپیمایان همراهی می‌کند. او یگانه گلاب‌پاش راهپیمایی‌های مشهد است که از قضا پدر نخستین شهید کوی دکترآ نیز هست. آنانی که از سال ۱۳۵۷ پای ثابت راهپیمایی‌های انقلاب در مشهد بوده‌اند، حاج فضل...برهانی را خوب به‌خاطر می‌آورند؛ موسسید کرده مهربانی که با یک گلاب‌پاش قدیمی بر دوش، ۴فصل سال پایه‌پای جوانان پرشور راه رفته و نفس راهپیمایان را با عطر گلاب کاشانی جلا داده است. شهرت او اما به اینجا خلاصه نمی‌شود و می‌توان تصویر حاجی و گلاب‌پاش معروفش را در عکاس خانه‌های قدیمی تهران هم پیدا کرد؛ از هم در لحظه ورود امام خمینی(ره) به ایران. حضوری که در آن ازدحام جمعیت، از نگاه امام هم دور نمی‌ماند و شور و مهربانی او را با اهدای هدیه کوچکی بزرگ شمرد. در نماز جمعه، راهپیمایی‌های هر سال ۲۲بهمن‌ماه، ورود آزادگان به مشهد و هر کجا که تجمعی انقلابی بوده، حاج فضل...هم حضور داشته است تا راه و هوا را با عطر ناب گل محمدی متبرک کند. سطرهای بعدی روایت او از ۴دهه گلاب‌پاشی در راهپیمایی‌های مشهد است. این گفت‌وگو در سال ۱۳۹۷ انجام شده است.

- پیش از انقلاب در مراسم مذهبی گلاب می‌پاشیدم

پیش از فریادشدن زمزمه‌های انقلاب در مشهد، یک ساندویچ‌فروشی در خیابان دانشگاه داشتم. درواقع من اولین اغذیه‌فروش این خیابان بودم؛ چندماه پیش از احداث سینما در آنجا. کسیم این، ولی تفریح گلاب‌پاشی در عزاداری‌های مذهبی سال بود. محرم، شهادت حضرت رضاع)، شهادت جوادالامته(ع) و دیگر ایام، چندکیلو گلاب را می‌گذاشتم روی شانه و به حرم می‌رفتم و سر و روی عزاداران و هیئتی‌ها را خوش‌و می‌کردم. انقلاب که قوت گرفت، به جمع طرف‌داران پیوستم، اما بعد از شهادت پسر، «نصر...» که به دست ساواک به شهادت رسید، پای ثابت همه راهپیمایی‌ها شدم. آنجا می‌دیدم گاهی در گرمی هوا، نفس مردمی که فریاد می‌زنند به شش‌های می‌افتد. تصمیم گرفتم گلاب‌پاشم را بردارم و جان و روان مردم را با عطر محمدی جلا بدهم. پس از این در همه راهپیمایی‌های مشهد عطر پاشیدم، به‌جز اعتراضات ۹ و ۱۰(دی‌ماه) که برای تحویل پیکر پسر شهیدم به تهران رفته بودم؛ آن‌هم پس از چندماه بی خبری.

- نخستین راهپیمایی‌ای که در آن گلاب پاشیدم، تشییع پیکر آقای کافی در مشهد بود

نخستین راهپیمایی‌ای که در آن گلاب پاشیدم، تشییع پیکر آقای کافی در مشهد بود. یادم می‌آید که اولین شعار «مرگ بر شاه» در مشهد هم هنگام تشییع پیکر آقای کافی سر داده شد؛ ۲۴نفر از طلبه‌های مدرسه نواب بودند که با لباس عادی بر تن در هنگام تشییع جنازه شروع کردند به شعار دادن. تشییع جنازه از شهدا به‌سمت حرم مطهر بود. در اطراف جنازه کافی، یک ردیف یاسبان، یک ردیف سرباز و یک ردیف هم درجه‌دار به صف ایستاده بودند. یکی از پسرانم که با من در تشییع جنازه بود، به تعدادی از مردمی ملحق شد که قصد داشتند چراغانی‌های اطراف حرم را بشکنند، زیرا امام(ره) عزای عمومی اعلام کرده بود. انقلابیون که برای کندن ریشه‌ها هجوم بردند، عوامل رژیم برای پر اکندۀ کردن مردم شروع کردند به گاز اشک‌آور زدن. ابتدا جمعیت پر اکندۀ شد، اما مردم دوباره جمع شدند، جنازه را بر داشتند و به داخل صحن بردند. بعد شهیدم که ۴خودرو و از نیرو دارد به‌سمت حرم می‌آید و قرار است حرم را محاصره کنند. همین شد که مردم هم سریع جنازه را از صحن به داخل حرم بردند. بعد هم عوامل رژیم آمدند و پیکر را تحویل گرفتند و گفتند: «آقای کافی وصیت کرده است در باغ خواجه‌ربیع دفنش کنند.» همان شب گویا عوامل رژیم برای انتقام‌گرفتن از شعار دهندگان به مدرسه نواب ریخته بودند. فردا صبح که ما به مدرسه رسیدیم، دیدیم که همه دیوارها پر از خون است، انگار که سر طلبه‌ها را کوبیده باشند به دیوار. همان روز یک راهپیمایی بزرگ از جلو مدرسه نواب شروع شد. مردم درحالی‌که یک عکس از امام روی دست‌هایشان می‌چرخید، شعار «نصر من... و فتح‌القریب» را سر می‌دادند.

- از امام(ره) صله گرفتم

خبر ورود امام به تهران که جدی شد، رفته‌بازار و یک دبه هفده کیلویی گلاب خریدم. بعد گلاب‌پاشم را روی شانه گذاشتم و راهی تهران شدم. شب یازدهم بهمن‌ماه بود که همراه جمعی از بازاری‌های مشهد در مدرسه علویه مستقر شدیم، برای همین توانستم در روز ورود امام خمینی(ره) پیش قدمشان گلاب بپاشم. واز امام برای این کار هدیه هم گرفتم. البته من هرگز نتوانستم به‌دلیل ازدحام جمعیت به ایشان نزدیک شوم، ولی ایشان گویا مرا دیده بودند. خاطرم هست مدرسه علویه ۲در داشت. مردم از یک در وارد واز در دیگر خارج می‌شدند. برای همین خیلی راحت می‌شد در این مسیری که طی می‌کنند، روی سرشان گلاب پاشید. آن‌روز ۳ساعت گلاب پاشیدم و امام(ره) را از دور زیارت کردم. امانمی‌دانستم ایشان هم مرا که یگانه گلاب‌پاش آن زمان بودم، دیده‌اند. تا اینکه روز بازگشتان یکی از پاسداران امام پاکتی آورد و گفت: «صله حضرت آقااست، برای زحمتی که کشیدید.» ۵۰۰۰تومان پول نقد در آن پاکت بود، اما آنچه مرا سر ذوق آورد، دیده‌شدن کارم بود که باعث شد دیگر هرگز آن را ترک نکنم. به‌عنوان مثال روزی که مقام معظم رهبری قصد کردند به دعوت اسام به تهران بروند، پیش از حرکت وقتی در حرم امام‌رضاع) برای زیارت حاضر شدند، من روی سرشان گلاب پاشیدم. روز ورود آزادگان هم همین‌طور رقم خورد و از آن به بعد هم در راهپیمایی ۲۲بهمن، نماز جمعه، ورود آزادگان به مشهد و همه تجمع‌های انقلابی این عطر را در هوا پراکندم.

روزنامه شهرامیدوزنگی

۳شنبه ۲۱ بهمن ۱۳۹۹ ۲۱ شهریور ۱۳۹۹

SHAHRARANEWS.IR

۱۳



تاریخ و هویت